

الگوهای شهرنشینی در ایران و جهان

زهرا قربانی^۱

چکیده

در این مقاله هدف ما بررسی الگوهای شهرنشینی در ایران با توجه به عوامل موثر بر شهرنشینی و سهم هر کدام از این عوامل در افزایش رشد شهری می باشد. رشد طبیعی، تبدیل روستا به شهر، مهاجرت از روستا به شهر و ادغام روستا در شهر عواملی هستند که هر کدام در دهه های مختلف به عنوان یکی از عوامل اثر گذار در رشد شهری بوده اند. بدین منظور با استفاده از اطلاعات سرشماری ها در سال های مختلف در یافتیم که در طی این سال ها جمعیت شهری از ۳۸ درصد به ۶۶ درصد افزایش یافته است و تعداد شهرها از ۳۷۳ شهر به ۱۰۰۰ شهر رسیده است. میزان رشد شهری در طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ در طی ۵۰ سال گذشته ۳,۹ درصد شده است. افزایش طبیعی با ۵۸ درصد، تبدیل روستا به شهر با ۲۴ درصد، مهاجرت از روستا به شهر با ۱۴ درصد و ادغام روستا در شهر با ۲,۷ درصد در رشد شهری موثر بوده است. در طی سال های ۸۵ - ۱۳۷۵ جمعیت شهری رشد ۲,۷ درصدی را داشته است.

واژگان کلیدی: شهرنشینی، مهاجرت، الگوهای شهری، رشد طبیعی، سرشماری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- کارشناسی ارشد جمعیت شناسی دانشگاه تهران و کارشناس مسائل جمعیتی کمیسیون خانواده دیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

مقدمه:

توزیع انسان ها بر روی زمین همیشه در پاسخ به فرصت هایی است که در قلمروهای مختلف فراهم بوده است. اختراع کشاورزی و دسترسی به زمین های قابل کشت عامل مهمی در تعیین محل سکونت افراد بود. کشاورزی کمک به انباشت مازاد مواد غذایی نمود و تفاوت فعالیت های تولیدی نیز منجر به پیدایش محل سکونت های پیچیده ای گردید که به عنوان شهر شناخته شدند. در تاریخ مدرنیته شهرها نقش کلیدی را به عنوان مراکز حکومتی، تولید، تجارت، دانش، نوآوری و افزایش بهره وری ایفا کرده اند. تغییرات حاصل از انقلاب صنعتی در غیاب شهرها غیر قابل تصور است. مکانیزه شدن تولید، تمرکز جمعیت را ضروری ساخت و سرعت صنعتی شدن با افزایش شهرنشینی همراه شد.

قرن بیست و یکم در حالی آغاز شد که حدود نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می کردند و انتقال شهری تقریباً صورت گرفته است. شهرنشینی با چنان سرعتی پیش می رود که در تاریخ شهرنشینی بی سابقه بوده است. شهرها در هر کجا که باشند، اعم از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، مکان نمایش تقابل های برجسته و فزاینده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هستند.

بدون شک شهر و شهرنشینی تمام شئون زندگی بشر را از رژیم غذایی گرفته تا الگوی معماری، از خانواده تا نهاد سیاست، از آموزش و پرورش تا نظام اقتصادی، همه و همه را تحت تاثیر قرار داده است. بشر علاقه عجیبی به تمرکز و استقرار در واحدهای سکونتی بزرگ دارد، به گونه ای که پیش بینی شده است تعداد زیادی از شهرنشینان در آینده ساکن شهرهایی با بیش از هشت میلیون نفر جمعیت یا ابرشهرها خواهند بود و بنابراین ایده ضد شهرگرایی از هم اکنون پایان یافته تلقی می شود، تعداد سکنه نقاط شهری در آغاز قرن گذشته چیزی کمتر از بیست درصد ساکنان جهان را شامل می شد، ولی اکنون حدود نیمی از ساکنان جهان در نقاط شهری سکونت یافته اند. (نقدی، ۱۳۸۱: ۳۳۹-۳۲۱).

شهری شدن یک تحول اساسی و پویا و تغییر اجتماعی مهمی است که نهادهای جامعه را دگرگون می سازد. مسئله شهری شدن در کشورهای در حال توسعه روندی متفاوت با کشورهای غربی دارد. به طوری که می دانیم در کشورهای غربی شهری شدن و صنعتی شدن همزمان اتفاق می افتد. در کشورهای در حال توسعه این جریان برعکس است، یعنی شهری شدن قبل از صنعتی شدن واقع می شود. شهری شدن اروپا از قرن ۱۸ آغاز می شود و بنیادهای شهر مدرن را در اروپا انقلاب صنعتی فراهم می آورد. در طول بیش از صد سال جریان شهری شدن اروپا با پشتوانه صنعتی شدن و تغییر شیوه تولید اقتصادی انجام می گیرد. جریان مهاجرت از روستا به شهر و از میان رفتن نظام فئودالی به تدریج واقع می شود. در آسیا جریان شهری شدن به شکل دیگری واقع می شود. شهری

شدن آسیا با سرعت بیشتری اتفاق می افتد. جمعیت شهری آسیا در دهه های اخیر دو برابر سریعتر از جمعیت اروپا افزایش یافت. شهری شدن اروپا هیچ مدل یا نمونه ای را در مقابل خود نداشت و هدف خاصی را نیز دنبال نمی کرد. اختراعات و پیشرفت های تکنولوژیک به شکل خودبه خود تحولی تدریجی را در پی داشت.

تدریجی بودن این جریان باعث می شد که تحولات اجتماعی نیز در کنار این تحولات بنیادی اقتصادی واقع شود و مورد پذیرش مردم این کشورها قرار گیرد و فرهنگ شهری و مدرن به تدریج شکل گیرد. در آسیا شکافی بزرگ میان وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با غرب وجود دارد، اما همه آنها مدل شهرهای غربی صنعتی را به عنوان یک هدف در مقابل خود می بینند. مهاجرت به شهر اغلب به علت فقر و اضمحلال شیوه تولید سنتی روستایی و جذابیت شهرها از نظر امکانات رفاهی، پزشکی، آموزشی و شغلی انجام می گیرد. اما شهرها امکان جذب نیروی کار مازاد را ندارند و اکثر شهرها جمعیتی بیش از گنجایش خود دارند که برخی جامعه شناسان آن را زیاده از حد شهری شدن خوانده اند. زیاده از حد شهری شدن به معنی رشد جمعیت شهرها در سطحی است که به هیچ وجه با سطح صنعتی شدن مطابقت ندارد و در این صورت زیاده از حد شهری شدن خود مانعی در راه توسعه کشورها می شود زیرا منابع را به شکل غیر مولد به کار می گیرد. کشورهای توسعه نیافته جریان شهری شدن را سریعتر از غرب طی کرده اند، در حالی که فاقد تکنولوژی لازم برای چنین توسعه ای بوده اند. در نتیجه شهرنشینی در کشورهای توسعه نیافته مشکلات زیادی دارد (میرزایی، ۱۳۸۴: ۱۴۵).

اهمیت و ضرورت تحقیق:

شهر از زمانی که به وجود آمد خاستگاه تمامی تمدنهای بزرگ بوده است و در حال حاضر نیز شهرنشینی از چنان اهمیتی برخوردار شده که تمامی جنبه های زندگی انسانها را تحت تاثیر قرار داده است و توجه مسئولان و برنامه ریزان را به خود جلب کرده است. پیدایش شهرنشینی به معنای امروزی آن در جهان در قرن ۲۱ رواج یافته است. با این حال موج شهرنشینی کشورها متفاوت از همدیگر بوده است. روند شهری شدن کشورهای در حال توسعه روند متفاوتی با کشورهای توسعه یافته دارد. در کشورهای توسعه یافته شهری شدن و صنعتی شدن همزمان اتفاق می افتند و جریان مهاجرت از روستا به شهر و از بین رفتن نظام فئودالی به تدریج واقع می شود، لذا مهاجرین به شهر جذب مشاغل جدید ناشی از صنعت می شوند، در مقابل در کشورهای در حال توسعه جریان برعکس است یعنی شهری شدن قبل از صنعتی شدن واقع می شود، و به همین دلیل شهرها نمی توانند مشاغل مورد نیاز مهاجران را فراهم کنند. مهاجرت گسترده علاوه بر مسائلی که در شهرهای جهان در حال توسعه پدید آورده موجب فرآیندی در شهرهای این کشورها شده که

(لوفور) آن را روستایی شدن شهرها می نامد. به سخن دیگر شهرنشین شدن روستا در کشورهای در حال توسعه تا حدی روستایی شدن شهرها را نیز به دنبال داشته است. روستایی شدن شهرها به این معنی است که در اثر مهاجرت روستائیان به شهرها تناسب جمعیت روستایی و شهری شهرها در زمان کوتاه تغییر می کند. این تغییر که به نفع جمعیت روستایی مهاجر رقم می خورد کیفیت فیزیکی (کالبدی)، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهرها را دستخوش بحرانی شدید می نماید. الگوهای مصرف، تولید، شهرسازی، معماری و رفتارهای اجتماعی در شهرها به گونه ای شدید تحت تاثیر این تهاجم گسترده قرار می گیرد و مدیریت شهری را با مسائل بسیار روبه رو می سازد (عظیمی، ۱۳۸۱: ۴۳).

در ایران نیز شهری شدن قبل از صنعتی شدن بوده و شهرها محور زندگی اقتصادی، اجتماعی جامعه شده اند و مشکلات ناشی از تمرکز جمعیت هر روز بیشتر نمایان شده است. از آنجا که مهاجرت یکی از عوامل اساسی رشد شهرنشینی در کشور ایران به حساب می آید، بررسی تاثیر مهاجرت بر شهرنشینی اهمیت ویژه ای می یابد. در ایران هجوم روستائیان به شهرها تغییرات زیادی را در افکار، شیوه های زندگی، اخلاق و حالات روانی روستائیان به وجود آورده است که می توانند زمینه ساز پیدایش بعضی از عوارض ناخوشایند اجتماعی و انحرافات و موجب بروز بی نظمی هایی در گسترش فیزیکی شهرها و ایجاد حاشیه نشینی و حلی آبادها گردند.

اهداف تحقیق:

هدف کلی در این پژوهش شناخت تحولات جمعیت شهری در ایران و مشخص کردن سهم عوامل موثر بر رشد شهرنشینی بویژه مهاجرت طی سالهای ۸۵-۱۳۵۵ است.

*شناخت تحولات جمعیت شهرنشین در دهه های اخیر

*مشخص کردن سهم مهاجرت در افزایش جمعیت شهرنشین

*مشخص کردن سهم رشد طبیعی در افزایش جمعیت شهرنشین

*بررسی اثر روستاهای تبدیل شده به شهر بر افزایش جمعیت شهرنشین

*بررسی تاثیر آبادیهای ادغام شده به شهر بر افزایش جمعیت شهرنشین

روش تحقیق:

با توجه به اینکه تحلیل ها روی داده های سرشماری صورت می گیرد، روش این بررسی جزء روشهای تحلیل ثانویه محسوب می شود. عمدتاً در تحلیل ثانویه استفاده از داده های گردآوری شده برای مطالعه موضوعی جدا از موضوع تحقیقات اولیه است.

این تحقیق را می توان جز تحقیقات اسنادی دانست چرا که از مدارک و اسناد مرتبط با موضوع در جنبه های نظری و تحلیلی آن استفاده می شود و همچنین آمارها نیز در واقع اسناد و مدارک

می باشند. به طور کلی با توجه به موضوع مورد بررسی، از روش تجربی متکی بر بهره گیری از آمار و استفاده از روشهای مختص جمعیت شناسی برای تجزیه و تحلیل داده ها بهره گرفته می شود.

نظریات مرتبط با شهر و شهرنشینی:

به طور کلی نظریاتی در مورد پیدایش شهر ارائه شده که می توان در چهار نظریه خلاصه کرد: الف) نظریه محیط گرایی: در این نظریه به نقش کشاورزی تاکید می شود و از مفهوم مازاد تولید و پیدایش شهرها استفاده می کند.

ب) نظریه اقتصادی: در این نظریه ها، شهر به عنوان مرکز مبادله کالا و کانون اصلی تجارت شناخته می شود.

ج) نظریه شهر به عنوان یک پایگاه نظامی و دفاعی: در این نظریه مسئله دفاع، هسته اولیه شهر را شکل داده است.

د) نظریه مذهبی: عده ای بر نقش مذاهب به خصوص دین اسلام در پیدایش شهرها تاکید دارند. ابن خلدون: منشا پیدایش شهرها و شهرنشینی را بادیه نشینی می داند. بادیه نشینی کهن تر از شهرنشینی است و اصل اجتماع و تمدن است (ابن خلدون، جلد اول: ۲۲۹). همچنین می گوید که چون شهرها بزرگ هستند و عظیم پس ساختن آنها از عهده یک نفر خارج است و به ناچار دولتها این وظیفه را ایفا می کنند. بنیان نهادن این بناهای بزرگ باید با همدستی گروههای بزرگ و همکاری جمعیت های بسیار صورت پذیرد (همان: ۶۴۷). در کل ابن خلدون به عامل مهاجرت و دولت در پیدایش شهرها تاکید دارد.

پل سینجر: معتقد است که برای درک مسئله شهر، باید تفاوت و رابطه شهر و روستا را بررسی کرد. شهر زمانی می تواند وجود داشته باشد که نیروهای تولیدی در روستا تا آن حد تکامل می یابند که قادر باشند بیشتر از حد نیاز خود تولید کنند. ولی تنها تولید مازاد برای ایجاد شهر کافی نیست بلکه باید روابطی به وجود آید تا جریان مداوم انتقال مازاد مذکور از روستا به شهر تضمین شود. (نقدی، ۱۳۸۱: ۱۹)

تئوری اقتصادی در گسترش شهرها:

از این دیدگاه رشد و توسعه شهری خود محصول و زاده فرایندهای اقتصادی است. شهرها محصول تکامل اقتصادی جوامع از مرحله شبانی به کشاورزی هستند. با تکامل کشاورزی و ظهور صنعتگران کم کم شهرنشینی به گونه ای کاملاً مجزا از ده نشینی و اقتصاد کشاورزی در آمد. این تئوری معتقد است که عوامل اقتصادی بارزترین و اصلی ترین عاملی است که سیمای شهرها را

شکل داده و چگونگی نحوه رشد آنها را تعیین می کند. از پیروان این تئوری: آرتی، گریسن، اسیارد می باشند (ادیبی، ۱۳۵۳: ۱۱۸).

تئوریهای مرتبط با مهاجرت:

از نظر اقتصادی مهاجرتها، اعم از داخلی و بین المللی، مکانیزمی برای باز توزیع نیروی کار است (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۲۱) از صاحب نظران عمده آن آدام اسمیت است که مهاجران کارگر را تابع قانون عرضه و تقاضای اقتصادی می داند. اسمیت مهاجران کارگر را نه تنها باعث رشد اقتصادی دو منطقه مهاجرپذیر و مهاجر فرست می داند بلکه آن را وسیله ای برای بهبود وضع کار و اشتغال به شمار می آورد. در تبیین دلایل مهاجرت از روستا به شهر در نظریه های اقتصاد سنتی بیشتر بر نقش چالشهای بین منطقه ای در ارتباط با نیروی کار و سطح در آمد و تاثیر آن بر مهاجرتها تاکید شده است و اقتصاد دانان نئو کلاسیک نیز به اختلاف درآمدها و شرایط اشتغال بین مناطق و هزینه مهاجرت تاکید می کنند. از این دیدگاه مهاجرت را عموماً به عنوان تصمیم گیری فردی برای به حداکثر رساندن در آمد تلقی می کنند.

مایکل تودارو معتقد است که مهاجرت انگیزه های اقتصادی خاصی دارد. وی انگیزه اقتصادی را بر حسب تفاوت های مشاهده شده در آمد روستا- شهری با فرض اینکه مهاجرین در جستجوی حداکثر در آمد در آینده هستند تعریف می کند. مهاجرت را اساساً یک پدیده اقتصادی می داند و فرد مهاجر کاملاً منطقی و عقلانی تصمیم می گیرد که علی رغم وجود بیکاری در شهرها تصمیم به مهاجرت بگیرد (تودارو، ۱۹۹۷: ۳۰).

دیدگاه اجتماعی:

اگر چه عوامل اقتصادی در مهاجرتها اهمیت بالایی دارند، همواره نمی توان آنها را عوامل منحصر به فرد بر انگیزنده مهاجرتها محسوب داشت. در مواردی مهاجرتها برای دوری جستن از شرایط و اوضاع و احوال تهدید کننده حیات انسانی صورت می گیرند و در مواردی نیز برای سکونت در نقاط خوش آب و هوا یا زندگی در بین جامعه، قوم یا فرهنگ خودی انجام می شود که نه تنها ممکن است انگیزه های اقتصادی نداشته باشد بلکه حتی در جهت عکس آن جریان یابد (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۲۸). برخی از عوامل اجتماعی مهم اثر گذار در مهاجرت، تحصیلات است. تحصیلات به عنوان وسیله دستیابی به تحرک شغلی و اقتصادی محسوب می شود و افراد خانواده ها برای برخورداری از تحصیلات بیشتر اقدام به مهاجرت می کنند. از عوامل اجتماعی دیگر که بر مهاجرت اثر دارند عبارتند از: ارتباطات، ازدواج و خویشاوندی، محدودیتهای اجتماعی در مبدأ و

.....

چارچوب نظری تحقیق:

برای چارچوب نظری تحقیق از تئوری‌هایی استفاده شده که شهرنشینی و مهاجرت را با هم در نظر گرفته‌اند. به این منظور تئوری قطب‌رشد و شهرگرایی، تئوری پیتر هاگت و تئوری اوبرای به عنوان چارچوب نظری تحقیق انتخاب شده‌اند.

نظریه قطب‌رشد و شهرگرایی:

طبق این نظریه زمانی که رشد اقتصادی در یک منطقه به وجود می‌آید، این رشد و توسعه در همه نقاط ناحیه گسترش می‌یابد و همه سطوح ناحیه‌ای از برنامه‌ریزی توسعه بهره‌مند می‌شوند. در حالی که در نواحی جغرافیایی کشورهای در حال توسعه، موانع طبیعی اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی آن چنان زیاد است که نمی‌گذارد تأثیرات برنامه‌ریزی توسعه در همه نقاط ناحیه گسترش یابد و چون تنها در قطب معین سرمایه‌گذاری می‌شود، همه مهاجران روستایی و غیر روستایی به این قطب جذب می‌گردند و مهاجران روستایی و غیر ماهر می‌توانند تنها در بخش غیر رسمی، اشتغال یابند. توسعه بخش غیر رسمی بر اثر فعالیت‌های اقتصادی غیر رسمی، در سیستم شهری شدن نیز اثر می‌گذارد، به طوری که شهر بزرگ ناحیه در این سیستم از نظر دارا بودن جمعیت و امکانات دیگر شهرهای سیستم عدم توازن شدیدی دارد و این امر نیز به نحوی در روابط شهر و روستا اثر می‌گذارد. بدین سان اجرای طرح‌های مربوط به قطب‌رشد در کشورهای در حال توسعه به شهرگرایی کمک می‌کند و اختلاف میان شهر و روستا و مادر شهر و شهرهای میانی و کوچک را بیشتر می‌سازد (شکوهی، ۱۳۸۰، ۴۶۹).

نظریه پیتر هاگت:

وی معتقد است که منحنی الگوی شهرنشینی کشورهای توسعه‌یافته با کشورهای در حال توسعه متفاوت است. بدین منظور دو کشور سوئیس (توسعه‌یافته) و کاستاریکا (در حال توسعه) را به عنوان نمونه انتخاب کرده است. او ضمن نشان دادن وجه اختلاف شکل منحنی شهرنشینی این دو گروه از کشورها مشخص می‌کند که مرحله رشد شتابان شهرنشینی در کشور سوئیس حدود یک قرن جلوتر از کاستاریکا آغاز شده و به علاوه مولفه‌های اصلی رشد جمعیت شهرهای جهان در حال توسعه با کشورهای توسعه‌یافته متفاوت است. او اذعان می‌کند که در مرحله رشد شتابان شهرنشینی در سوئیس حدود ۷۰ درصد رشد جمعیت شهری، ناشی از مهاجرت روستا به شهر بوده است در حالی که مهاجرت در همین مرحله از شهرنشینی در کشور کاستاریکا تنها ۲۰ درصد موثر بوده است (عظیمی، ۱۳۸۱، ۴۹).

نظریه اوبرای :

وی معتقد است که رشد شهری در کشورهای در حال توسعه بیشتر به دلیل افزایش طبیعی جمعیت شهرها صورت می‌گیرد تا مهاجرت از روستا به شهر. او می‌نویسد که در مرحله نخست شهرنشینی که سطح شهرنشینی در این کشورها پایین و میزان رشد طبیعی هم در شهر و هم در روستا بالا است مهاجرت خالص عموماً بیش از رشد طبیعی در افزایش جمعیت شهری نقش دارد. لیکن در مرحله میانی رشد شهرنشینی (رشد شتابان) افزایش طبیعی جمعیت شهری نقش مسلط پیدا می‌کند و در مرحله پایانی که شهرنشینی در سطح بالایی قرار دارد و آهنگ رشد طبیعی جمعیت پایین است احتمالاً رابطه فوق ممکن است معکوس شده و دوباره مهاجرت خالص عنصر عمده رشد جمعیت شهری می‌گردد. به طور کلی نظریه هاگت و اوبرای را می‌توان به این شکل عنوان کرد که آنها معتقدند سه مرحله در روند شهرنشینی کشورهای در حال توسعه وجود دارد. مرحله اول مرحله بطئی و کند شهرنشینی است در این مرحله سهم مهاجرت بیشتر از سهم رشد طبیعی می‌باشد. در مرحله دوم که مرحله شتاب شهرنشینی است سهم رشد طبیعی بیشتر از مهاجرت می‌شود و نهایتاً در مرحله سوم، شهرنشینی در سطح بالایی قرار می‌گیرد و دوباره سهم مهاجرت بیشتر از سهم رشد طبیعی است (اوبرای، ۱۳۷۰: ۸۲).

الگوهای شهرنشینی در جهان از نظر سازمان ملل :

- ۱- سطح شهرنشینی بالا و رشد شهری کند :
که شامل مناطق و کشورهایی است که بیش از دوسوم جمعیت آنها شهرنشین هستند، اما نسبت رشد جمعیت شهری آنها زیر یک درصد در سال است : اروپا، آمریکای شمالی، استرالیا و نیوزلند نمونه ای از این مناطق هستند. تحقیقات نشان می‌دهد که کاهش رشد شهرنشینی در این مناطق ادامه یافته و به کمتر از اندازه فعلی یعنی به پایتتر از ۰/۵٪ در سال خواهد رسید.
- ۲- سطح شهرنشینی بالا و رشد شهری متوسط :
بخش عمده ای از آمریکای لاتین (شامل کارائیب، آمریکای مرکزی و جنوبی) که دارای حدود ۷۵٪ شهرنشینی و رشد جمعیت شهری در حدود ۳٪ در سال است، در این الگو جا می‌گیرد.
- ۳- سطح شهرنشینی متوسط و رشد شهری سریع :
آسیای غربی از دیگر مناطق جهان به وسیله سطح شهرنشینی بالای متوسط (۵۵٪ شهری) و رشد سریع جمعیت (۴٪ در هر سال) متمایز می‌شود، در این مدل نسبت رشد جمعیت شهری تا پایان قرن بیستم ۳/۵٪ بوده است. (کشور ایران در این الگو جای می‌گیرد).
- ۴- سطح شهرنشینی پایین و رشد شهری سریع :

در الگوی چهارم، کمتر از یک سوم جمعیت در مناطق شهری ساکن هستند. در این مناطق، جمعیت شهری ۴٪ یا بیشتر در سال رشد دارد. پنج منطقه در آفریقا، بخشی از جنوب شرقی آسیا، آسیای میانه و مالزی جز این گروه هستند (نقدی، ۱۳۸۱: ۳۲۷).

روند ها و تغییرات شهرنشینی در دنیا:

در آستانه قرن ۲۱ حدود نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می کنند. شهرنشینی با چنان گامهای بلندی به جلو می رود که در چند دهه پیش غیر قابل تصور بود. شهرنشینی در همه جای دنیا در طول ۱۵۰ سال اخیر سیر صعودی داشته است. به موازات این پویش، شهر به شکل آشکاری روستا و زندگی روستایی را در تمام جنبه های آن به حاشیه رانده به نحوی که امروزه جهان به سرعت در حال شهری شدن است (عظیمی، ۱۳۸۱: ۱۳). جمعیت شهری کشورهای جهان رشد سریعتری از کل جمعیت جهان دارد. در حال حاضر حدود سه میلیارد نفر یا ۴۸ درصد از کل جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی می کنند و انتظار می رود این رقم در سال ۲۰۳۰ به ۵ میلیارد نفر برسد (گزارش سازمان ملل، ۲۰۰۳).

جدول شماره ۱: تغییرات جمعیت شهری در دنیا و مناطق اصلی آن از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۵۰

جمعیت نقاط شهری (به میلیون)					مناطق اصلی جهان
۲۰۵۰	۲۰۲۵	۲۰۰۷	۱۹۷۵	۱۹۵۰	
۶۳۹۸	۴۵۸۴	۳۲۹۴	۱۵۱۹	۷۳۷	کل دنیا
۱۰۷۱	۹۹۵	۹۱۰	۷۰۲	۴۲۷	بسیار توسعه یافته ها
۵۳۲۷	۳۵۹۰	۲۳۸۴	۸۱۷	۳۱۰	کمتر توسعه یافته ها
۹۶۷	۴۵۲	۲۲۵	۵۳	۱۵	کشورهایی با کمترین حد توسعه
۱۲۳۴	۶۵۸	۳۷۳	۱۰۷	۳۳	آفریقا
۳۴۸۶	۲۴۴۰	۱۶۴۵	۵۷۴	۲۳۷	آسیا
۶۸۳	۵۷۵	۴۴۸	۱۹۸	۶۹	آمریکای لاتین و کارائیب
۴۰۱	۳۳۷	۲۷۵	۱۸۰	۱۱۰	آمریکای شمالی
۵۵۷	۵۴۵	۵۲۸	۴۴۴	۲۸۱	اروپا
۳۷	۳۰	۲۴	۱۵	۸	اقیانوسیه

منبع: گزارش سازمان ملل، ۲۰۰۸

رشد سریع جمعیت شهرهای کشورهای در حال توسعه بیشتر ناشی از دو عامل مهاجرت و رشد طبیعی جمعیت است. رایجترین دیدگاه علت مهاجرت به شهرها را امکان افزایش درآمد خانواده ها می داند.

در سه چهارم کشورها افزایش طبیعی نیمی از رشد شهری را در طی دهه ۱۹۸۰ در بردارد. در طی دهه ۱۹۹۰ همان حالت برای ۶ از هر ۸ کشور در آفریقا، ۷ تا از ۱۱ کشور در آسیا و ۱۲ تا از ۱۵ کشور در آمریکای لاتین و کارائیب شاهد هستیم. سطوح بالایی از شهرنشینی در کشورها به این عامل نسبت داده می شود. در آفریقا و آسیا و بیشتر کشورها رشد طبیعی ۷۰٪ از رشد شهری را شامل می شود.

در میان کشورهایی که مهاجرت و طبقه بندی مجدد شهرها موجب رشد شهری شده است دو کشور چین و اندونزی به چشم می خورند. در چین این دو عامل ۷۰٪ را در رشد شهری در سال ۱۹۸۰ و ۸۰٪ را در سال ۱۹۹۰ دربرداشته است. در چین طبقه بندی مجدد شهرها عامل اصلی رشد شهری می باشد. در اندونزی کاهش در نسبت رشد طبیعی موجب شد تا رشد شهری از ۷۰٪ در سال ۱۹۶۰ به ۳۲٪ در سال ۱۹۹۰ کاهش یابد. در مجموع در اکثریت کشورها رشد طبیعی عامل اصلی در رشد جمعیت شهری است، سپس مهاجرت داخلی و در نهایت طبقه بندی مجدد شهرها از عوامل اثرگذار در رشد شهری می باشند (گزارش صندوق جمعیت سازمان ملل، ۲۰۰۸).

روندها و تغییرات شهرنشینی در ایران:

به دنبال افزایش رشد جمعیت در ایران الگوی سکونت در کشور دچار تحولات اساسی گردید که بیش از پیش به سمت شهرنشینی معطوف شده است. براساس اطلاعات موجود تعداد شهرهای کشور در ۵۰ سال گذشته از سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ از ۳۷۳ شهر به ۱۰۰۰ شهر و در سال ۱۳۸۷ به ۱۰۱۲ شهر رسیده است. به طور متوسط ۱۲ شهر از سال ۸۵ تا سال ۸۷ بر شهرهای کشور افزوده شده است. جمعیت شهری در ۵۰ سال گذشته از ۳۸٪ به ۶۶٪ رسیده است. میزان رشد جمعیت شهری ۳/۹ درصد شده است. شهرنشینی در ایران حاکی از تشدید شکاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی، تفاوت در امکانات و بهره وری از آنها، درآمد انتظاری بیشتر در مناطق شهری، ضعف نظام تولید در جوامع روستایی می باشد. بخش اعظم از افزایش جمعیت شهری کشور ناشی از مهاجرپذیری، تغییر موقعیت روستا به شهر و جذب یا ادغام روستاها در شهر می باشد.

جدول شماره ۲: تغییرات جمعیت شهری کشور و متوسط رشد سالانه طی سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵

سال	جمعیت	متوسط رشد سالانه	
		دوره	درصد
۱۳۶۵	۲۶۸۴۴۵۶۱	۱۳۵۵-۶۵	۵/۱۲
۱۳۷۰	۳۱۸۳۶۵۹۸	۱۳۶۵-۷۰	۳/۴۷
۱۳۷۵	۳۶۸۱۷۷۸۹	۱۳۷۰-۷۵	۲/۹۵
۱۳۸۵	۴۸۲۵۹۹۶۴	۱۳۷۵-۸۵	۲/۷۴

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵

جمعیت شهری در سال ۷۵ در حدود ۳۶۸۱۷۷۸۹ میلیون نفر بوده که در سال ۸۵ به ۴۸۲۵۹۹۶۴ میلیون نفر رسیده است. درصد شهرنشینی در سال ۷۵ در حدود ۶۱/۳ درصد بود که در سال ۸۵ به ۶۸/۵ درصد رسید. ما گرایش به مرکز نشینی یعنی تمایل به سکونت در مراکز استان ها داریم. ۴۰۰ نقطه روستایی در سال های ۷۵-۸۵ به شهر تبدیل شده اند که ۲۷۰۰۰۰۰ نفر سکنه داشته اند. از عوامل اثرگذار در رشد شهری: افزایش طبیعی با ۵۸ درصد، مهاجرت از روستا به شهر با ۱۴ درصد، تبدیل روستا به شهر با ۲۴ درصد و ادغام روستا در شهر با ۲/۷ درصد در رشد شهری موثر بوده اند. در طی سال های ۷۵-۸۵ جمعیت شهری رشد ۲/۷ درصدی داشته است (کاظمی پور، ۱۳۸۲: ۱۲).

جدول شماره ۳: جمعیت بر حسب جنس و محل سکونت در سال ۱۳۸۵

جنس	جمعیت	محل سکونت		غیر ساکن
		نقاط شهری	نقاط روستایی	
مرد و زن	۷۰۴۹۵۷۸۹	۴۸۲۵۹۹۶۴	۲۲۱۳۱۱۰۱	۱۰۲۷۱۷
مرد	۳۵۸۶۶۳۶۲	۲۴۵۷۶۴۴۲	۱۱۳۶۸۵۵	۵۳۰۶۵
زن	۳۴۶۲۹۴۲۰	۲۳۶۸۳۵۲۲	۱۰۸۹۴۲۴۶	۵۱۶۵۲

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری ۱۳۸۵

در طی دو دهه اخیر تعداد کلان شهر ها (جمعیت بالای یک میلیون نفر) از ۲ شهر به ۵ شهر و شهرهای بزرگ (۵۰۰ هزار تا یک میلیون نفر) از ۴ شهر به ۶ شهر و شهرهای ۲۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار نفر از ۸ شهر به ۱۴ شهر رسیده اند. که این مبین تمرکز بیشتر جمعیت و قطبی شدن پهنه کشور می باشد (سخنرانی میرزایی، ۱۳۸۷).

جدول شماره ۴: طبقه بندی جمعیتی شهرهای کشور طی سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵

۱۳۸۵		۱۳۷۵		۱۳۷۰		۱۳۶۵		طبقه بندی جمعیتی
تعداد شهر	جمعیت (درصد)	تعداد شهر	جمعیت (درصد)	تعداد شهر	جمعیت (درصد)	تعداد شهر	جمعیت (درصد)	
۱۰۱۲	۱۰۰	۶۱۲	۱۰۰	۵۱۲	۱۰۰	۲۹۶	۱۰۰	جمع
۲۷	۵۲,۷۸	۲۳	۵۴,۷۲	۱۹	۵۳,۵۹	۱۶	۵۲,۹۸	۲۵۰۰۰۰ نفر و بیشتر
۵۴	۱۷,۳۵	۳۶	۱۳,۹۴	۲۸	۱۳,۵۹	۱۴	۱۴	۱۰۰۰۰۰-۲۴۹۹۹۹ نفر
۷۰	۱۰,۰۳	۶۰	۱۱,۵۷	۵۵	۱۲,۵۲	۴۶	۱۱,۷۵	۵۰۰۰۰-۹۹۹۹۹ نفر
۱۰۰	۷,۵۶	۹۴	۸,۹۹	۸۵	۹,۳۸	۶۷	۸,۶۴	۲۵۰۰۰-۴۹۹۹۹ نفر
۲۱۰	۶,۸۹	۷	۱۶۶	۱۵۸	۷,۸۰	۱۴۵	۸,۵۷	۱۰۰۰۰-۲۴۹۹۹ نفر
۲۳۹	۳,۵۵	۳	۱۵۰	۱۰۷	۲,۵۰	۱۱۳	۳,۱۰	۵۰۰۰-۹۹۹۹ نفر
۳۱۲	۱,۸۴	۸۳	۰,۷۸	۶۰	۰,۶۲	۸۴	۰,۹۶	کمتر از ۵۰۰۰ نفر

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری ۱۳۸۵

شهرنشینی در کشور ما دارای چند ویژگی عمده مانند: رشد شتابان، دارای توزیع بسیار نامتوازن و تمرکز گرایانه، برونزا و در ارتباط مستقیم با فروپاشی اقتصاد کشاورزی روستایی، گسترش اقتصاد دلالی و رونق صادرات نفت در چند دهه اخیر بوده است (نقدهی، ۱۳۸۱: ۳۳۹-۳۲۱).

جدول شماره ۵: تغییرات جمعیت نقاط شهری طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵

سال	جمعیت	متوسط رشد سالانه (درصد)
۱۳۳۵	۶۰۰۲۶۲۱
۱۳۴۵	۹۷۹۵۸۱۰	۵/۰۲
۱۳۵۵	۱۵۸۵۴۶۸۰	۴/۹۳
۱۳۶۵	۲۶۸۴۴۵۶۱	۵/۴۱
۱۳۷۰	۳۱۸۳۶۵۹۸	۳/۴۷
۱۳۷۵	۳۶۸۱۷۷۸۹	۲/۹۵
۱۳۸۰	۴۸۲۵۹۹۶۲	۲/۷۴

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵

تحول شهرنشینی در ایران متأثر از الگوی درون زای توسعه و ترقی اقتصادی کشور نبوده است و بیشتر متأثر از ورود ایران به دوره جدیدی از مناسبات بین المللی و تقسیم کار جهانی بوده است.

در الگوی درون‌زا، رشد شهرنشینی، گسترش شهرها و افزایش میزان آن به همراه تحول و بهبود در نظام اقتصادی، صنعتی شدن، تغییر نظام اجتماعی و سایر مناسبات صورت می‌گیرد. در حالی که در الگوی برون‌زا این گونه نیست و طبیعی است که این مدل مشکلات بسیار به همراه داشته است (همان).

در ایران نیز از سال ۱۳۰۰ مهاجرت روستا - شهری و به تبع آن شهرنشینی به علت تحولات در نظام اقتصادی و اجتماعی ایران رواج پیدا می‌کند. لیکن تا سال ۱۳۴۰ نمی‌توان از بازتاب فضایی این تحولات به مشکل شهرنشینی و مهاجرت وسیع به شهرها سخن گفت. به عبارتی بین سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ شهرنشینی بطئی در ایران وجود داشت. پس از سال ۱۳۴۰ و شروع دهه اصلاحات ارضی گرایش به سوی شهرها شدت می‌گیرد و شهرنشینی سریع آغاز می‌گردد. (حسامیان، ۱۳۶۳: ۲۱). روند های مهاجرتی گسترده از روستا به شهر و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ، تغییر مناسب جمعیت شهری و روستایی به نفع جمعیت شهری، رشد سریع شهرهای بزرگ و خاصه پایتخت و پیچیدگی روزافزون زندگی شهری و بروز آنچه که به مشکلات شهری معروف شده است همه از ویژگیهای دوره دوم شهرنشینی به شمار می‌آیند (همان: ۲۳) به هر حال طی ۴۰ سال یعنی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ میزان شهرنشینی ایران تقریباً دو برابر شده است و از ۳۱/۴ در صد در سال ۱۳۳۵ به ۶۸/۲ در صد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. بنابر این افزایش شهرنشینی در کشور وجود دارد که چهار عامل تاثیرگذار در این افزایش، رشد طبیعی جمعیت شهری، مهاجرت روستا- شهری، ادغام حومه ها و آبادی ها در شهرها در شهرها و تبدیل روستا به شهر است. حال با توجه به ادامه روند شهرنشینی سوال اساسی این است که مکانیسم تاثیر گذاری هر یک از عوامل بالا چگونه است؟ و در واقع سهم هر کدام از این عوامل در افزایش شهرنشینی چقدر است؟

جدول شماره ۶: میزان شهرنشینی به تفکیک استان ها طی سال های ۸۵-۱۳۷۵

درصد		نام استان
سال ۱۳۸۵	سال ۱۳۷۵	
۶۸,۳۶	۶۱,۳۱	کل کشور
۶۶,۶۷	۶۰,۲۸	آذربایجان شرقی
۶۰,۰۳	۵۲,۶۸	آذربایجان غربی
۵۸,۲۷	۴۸,۶۷	اردبیل
۸۳,۳۲	۷۴,۳۰	اصفهان
۶۰,۶۹	۵۳,۲۳	ایلام
۶۵,۱۶	۵۳,۰۵	بوشهر
۹۱,۳۴	۸۶,۱۶	تهران
۵۱,۵۶	۴۵,۰۵	چهارمحال و بختیاری
۵۱,۳۳	۴۰,۹۲	خراسان جنوبی
۶۸,۱۵	۶۱,۰۹	خراسان رضوی
۴۸,۳۶	۴۰,۰۷	خراسان شمالی
۶۷,۲۲	۶۲,۵۲	خوزستان
۵۷,۹۹	۴۷,۶۲	زنجان
۷۴,۷۰	۶۸,۲۹	سمنان
۴۹,۶۰	۴۶,۱۲	سیستان و بلوچستان
۶۱,۱۷	۵۶,۶۷	فارس
۶۸,۰۵	۵۷,۱۱	قزوین
۹۳,۹۲	۹۱,۱۶	قم
۵۹,۴۳	۵۲,۴۲	کردستان
۵۸,۵۳	۵۲,۸۹	کرمان
۶۶,۷۹	۶۱,۷۵	کرمانشاه
۴۷,۶۴	۳۹,۲۳	کهگیلویه و بویراحمد
۴۹,۱۷	۴۱,۲۹	گلستان
۵۳,۸۸	۴۶,۸۳	گیلان
۵۹,۴۳	۵۳,۶۵	لرستان
۵۳,۱۸	۴۵,۹۰	مازنداران
۶۸,۹۸	۵۷,۰۹	مرکزی
۴۷,۱۱	۴۱,۸۰	هرمزگان
۵۷,۵۸	۴۸,۳۱	همدان
۷۹,۷۱	۷۲,۸۰	یزد

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری ۱۳۸۵

نتیجه گیری:

گزارش فوق با هدف بررسی الگوهای شهرنشینی در ایران و جهان به دنبال یافتن میزان اثر عوامل موثر بر رشد شهری بوده است. بدین منظور به بررسی نقش عواملی چون نرخ رشد طبیعی، تبدیل روستا به شهر، مهاجرت از روستا به شهر و ادغام روستا در شهر در افزایش رشد شهرنشینی پرداخته است. گزارش حاکی از آن است که در ایران سطح شهرنشینی متوسط و رشد شهری سریع می باشد. طی ۵۰ سال گذشته تعداد شهرهای کشور از ۳۷۳ شهر به ۱۰۰۰ شهر و جمعیت شهری از ۳۸ درصد به ۶۶ درصد رسیده است. بر اساس تحقیقات موجود، بخش اعظم افزایش جمعیت شهری کشور ناشی از مهاجرپذیری، تغییر موقعیت روستا به شهر و ادغام روستاها در شهر می باشد. در فاصله سال های ۸۵-۱۳۷۵ جمعیت شهری رشد ۲/۷ درصدی را داشته که مهمترین عامل در این میزان افزایش رشد طبیعی جمعیت در شهرها بوده است.

شهرنشینی در کشور ما دارای چند ویژگی است که عبارتند از: رشد شتابان، توزیع نامتوازن و تمرکزگرایانه، ارتباط مستقیم با فروپاشی کشاورزی روستایی و گسترش اقتصاد دلالی و رونق صادرات نفتی.

تحول شهرنشینی در کشور ما متأثر از الگوی درونزای توسعه و ترقی اقتصادی کشور نبوده است و بیشتر متأثر از ورود ایران به دوره جدیدی از مناسبات بین المللی و تقسیم کار جهانی بوده است.

منابع:

- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۲): شهر، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ادیبی، حسین (۱۳۵۳): مقدمه ای بر جامعه شناسی شهری، تهران: انتشارات شبگیر.
- اوبرای، اواس (۱۳۷۰): مهاجرت و شهرنشینی و توسعه، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: موسسه کار و امور اجتماعی.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۴): توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، وزارت برنامه و بودجه، جلد اول.
- حسامیان، فرخ و دیگران (۱۳۶۳): شهرنشینی در ایران، تهران: انتشارات آگاه
- زنجانی، حبیب ا... (۱۳۶۹): جمعیت و شهرنشینی در ایران، جلد اول جمعیت، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات معماری.
- زنجانی، حبیب ا... (۱۳۸۰): مهاجرت، تهران، سمت.
- شکوهی، حسین (۱۳۸۰): دیدگاههای نو در جغرافیای شهری، جلد اول، تهران، انتشارات سمت.
- عظیمی، ناصر (۱۳۸۱): پویای شهرنشینی و مبانی نظام شهری، تهران، نشر نیکا.
- گزارش شهرنشینی مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵
- گزارش صندوق جمعیت سازمان ملل در خصوص شهرنشینی، ۲۰۰۳
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۷): روندهای شهرنشینی در ایران، سخنرانی در سومین همایش انجمن جمعیت شناسی ایران با عنوان جمعیت و توسعه پایدار.
- میرزایی، محمد (۱۳۷۷): برنامه ریزی جمعیت و نیروی انسانی (جزوه)، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- میرزایی، محمد (۱۳۸۷): سخنرانی در سومین همایش انجمن جمعیت شناسی ایران با عنوان جمعیت و توسعه پایدار.
- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- نقدی، اسد... (۱۳۸۱): تحولات شهر و شهرنشینی در ایران، نخستین همایش انجمن جمعیت شناسی ایران، صفحات ۳۳۹-۳۲۱.